

انتقادات سالم و مشوره های سودمند به جناب کرزی و همراهانش که هنوز هم دیر نیست زیرا چهار سال کاری دیگر در پیشرو دارند

با گذشت ۹ سال و با ورود بیلیونها دالر کمکهای بیشائبه جوامع بشری در رأس ایالات متحده امریکا دولت حامد کرزی با تیم مفسد و منفور خود قادر به این نشد تا حتی قدمهای ابتدائی را در قسمت معشیت این ملت بیچاره و گروگان بردارد. زیرا با این فرصت طلائی ایکه نصیب کرزی شده بود نه تنها ولایات کشور، بلکه ولسوالی ها، قراء و دشت های بی آب و علف افغانستان سیراب و آباد میشد. و امروز بعد از ۹ سال انگشت انتقاد جامعه جهانی و مردم ناچار افغانستان بسوی این دولت ناقص و بیکیفیت در رأس حامد کرزی نمی بود.

جناب کرزی با این قدرت جهانی که متشکل از ۴۰ کشور دنیا در عقبش بود هست و به گفته اغلب که لقب شاه شجاع ثانی و ببرک کارمل را هم کمائی نموده است، میتوانست یک نام نیک با خدمت نمودن صادقانه باین کشور از خود بجا بگذارد، و این القاب را از خود بدور اندازد.

کرزی با بدست گرفتن قدرت اشتباهات زیادی را مرتکب شده است که از جمله آوردن دیموکراسی میان تهی و اقتصاد بازار آزاد در کشوری مثل افغانستان جز یک اشتباه چیزی دیگری نبود، زیرا افغانستان و در مجموع همه کشورهای آسیائی به شمول روسیه و هند که دو قدرت بزرگ و پیشرفته آسیا بشمار میروند تا حال قادر به تطبیق این دو فکتور نشده اند و همچنان کشورهای اروپای شرقی که دیموکراسی واقعی حتی قدم در آنجا ها نگذاشته است که مثالهای زنده آنرا درین کشورها در هنگام انتخابات شان شاهد هستیم بناءً اطلاق دیموکراسی درین ممالک جز خطا چیزی دیگری نیست.

در ضمن باید متذکر شوم که دست یافتن به دیموکراسی واقعی وقت و زمان کار دارد نه اینکه شب در میان خود را در ردیف کشورهای چون امریکا، کانادا و اروپای غربی قرار داد، زیرا هر کدام از این ممالک از ۱۰۰ الی ۳۰۰ سال درین راه مبارزه و زحمت کشیده اند. و یا بعبارة دیگر اگر دقیقاً بتاریخ نظر ببندازیم تا دهه ۶۰ یعنی ۵۰ سال قبل از امروز یک تبعیض فاحش بین یک سیاه پوست و یک سفید پوست امریکائی وجود داشت که جزئیات آن به هر صاحب نظر معلوم است و حاجت به روشنی زیاد ندارد. و به گفته انگلا مارکل (صدراعظم المان) «افغانستان را مثل یک کشور غربی کردن» خواب و خیال است.

وطن عزیز ما افغانستان ۳۰ سال جنگ تحمیلی و خانمانسوز را پشت سر گذاشته است، و یک تا دو نسل این مملکت در جنگ تولد و بزرگ شده اند مردم اینکشور حتی از خدمات و ضرورتهای اولیه زندگی برخوردار نیست پس چطور امکان دارد که چنین سرزمین با چنین سیاست نرم و مصلحت خواهانه که جناب کرزی در پیش گرفته اداره و کنترل گردد. برعکس افغانستان با تفاهم با جامعه بین المللی به یک رهبر و سیاستمدار عادل، و مسلمان واقعی و اگر اشتباه نگویم بیک حاکم ضرورت داشت تا حکم صادر مینمود و تطبیق حکم را بطور عاجل و عادلانه از مجریان آن میخواست تا این کشور از هم گسیخته را انسجام میبخشید.

و این رهبر قوی و مدبر میتوانست با تفاهم با جامعه بین المللی قانون اساسی مملکت را مطابق شرایط عینی و ذهنی کشور نه با تقلید از جوامعی که در فوق ذکر کردم ترتیب مینمود، و تطبیق آنرا بطور جدی از اراکین خود و بطور سلسله مراتب از همه خواستار میشد. باین معنی که:

در قدم اول این رهبر مدبر با تفاهم با جامعه بین المللی به فکر تأمین امنیت با تشکیل نمودن یک قوای مسلح مطابق به اساسات اردوی سابق افغانستان یعنی جلب جوانان به خدمت مقدس مکلفیت با سن معینه و با روحیه وطنپرستی میشد، نه اینکه یکتعداد معاشخوار و ملیشه را بدور خود جمع مینمود که هر یک آنها متوجه پر نمودن جیب خود است و بس. امروز در اردو، پولیس و امنیت دولتی افغانستان اگر نظر دقیق انداخته شود، تعداد جنرال در این نهادها اصلاً از شمار بیرون است.

دپانو شمیره: له ۱ تر 3

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څېر و لولئ

بیانید با قضاوت عادلانه بگوئیم که آیا به این تعداد جنرال که ارقام ایشان با تعداد سربازان این مملکت همسری میکند ضرورت است؟ جنرالهای که هر کدام به موثر ضد گلوله ضرورت دارد که باید از طرف دولت تأمین شود، هر کدام باید دارای پستی در چوکات وزارت‌های دفاع، داخله و ریاست امنیت داشته باشند تا خدا نخواستہ کسر شان نشده باشند، بادی گارد های داشته باشند تا از خطرات محیطی از آنها دفاع کنند، و هر کدام معاش های بلند و خرج دسترخوان داشته باشند تا از مهمانان خود پذیرائی کرده باشند که همه اینها از بودجه دولت باید داده شود (دولتی که دستش به گدائی بطرف هندو و مسلمان عرب و عجم، عیسوی و موسوی دراز است)

در قدم دوم این رهبر مدبر از جامعه بین الملل تقاضا مینمود تا در قلع و قمع جنگ سالاران و آدمکشان اعم از کمونست و جهادیه که دست‌هایشان به خون مردم افغانستان آلوده است کمک نماید و هر یک از این جلادان را بعوض اینکه در اطراف خود جمع مینمود به پشت میله های زندان میفرستاد و بعداً از ملت میخواست که با آنها چه معامله باید صورت بگیرد. در آن صورت این رهبر و حاکم مدبر و عادل با این قهرمانی و ابتکار خود پشتیبانی میلیونها نفر را در داخل و خارج از کشور بدست میآورد.

در قدم سوم این رهبر مدبر به عوض سیاست بی نهایت دوستانه خود با حلقات مافیائی دولت و سران بیشرم و خدا ناترس جهادی و کمونستی که بیشترین خیانت را در حق این ملت و مادر وطن مرتکب شده اند باید یک سیستم حسابدی را در داخل و خارج کشور به کمک پولیس بین المللی (اینترپول) ایجاد مینمود تا با همکاری جامعه جهانی و پشتیبانی ملت افغانستان فهمیده میشد که اینهمه ثروتهای لجام گسیخته و بیحساب این اشخاص و اراکین دولت از کجا آمده است؟ اشخاصیکه تا ۹ سال پیش از ترس یکعده طالب عقبگرا و افراطی در مغاره های کوه ها و کولاب تاجکستان مخفی بودند، و از پول مواد مخدر و فروش غیر قانونی سنگهای قیمتی افغانستان به زندگی ننگین خود ادامه میدادند، امروز مالک میلیونها دالر و ملکیت‌های شخصی در داخل و خارج کشور هستند.

در قدم چهارم این رهبر مدبر در سطح جهان اجازه اینرا بدیگران نمیداد تا بمانند یک ملک بیصاحب به افغانستان نگاه کنند و هر چه دل تنگ شان بخواهد به آدرس ما بفرستند که مثال زنده اش بیشرمیهای نظامیان پاکستانی و آخوند های ایرانی است که هر روز به بسیار بیشرمی و بیحیائی که گویا افغانستان طالبان را به دهشت افگنی وا میدارد بآدرس افغانستان اتهامات میندند، در ضمن این رهبر تیم کاری خود را طوری عیار و تحت کنترل میگردفت تا حلقات مافیائی و خائن بوطن این دولت اعم از معاونین رئیس جمهور، وزرای کابینه، سران و قوماندانهای مرتد جهادی قادر باین نمیبودند تا با جاسوسان خارجی ارتباط قائم نمایند. که خود جناب کرزی همیشه از آن شکایت دارد و در بیانات "پرمحتوا" و تاریخی خود گویا و شاهد این مدعاست.

من بحیث یکی از فرزندان این کشور و به نمایندگی از ملت و وطنپرست افغانستان از این رهبران و تیکه داران اسلام (پروفیسور مجددی، استاد ربانی، عبدالرسول سیاف، انجنیر حکمتیار، استاد خلیلی، استاد محقق، شیخ محسنی، و حامد کرزی و غیره) میپرسم که دلیل اینهمه امتیازات، سخاوتهای و دادن القاب و رتبه ها به اشخاصی که اهلیت و ظرفیت این مناصب را نداشتند و ندارند چه بود؟

بطور مثال آیا دادن لقب خالد ولید (سپه سالار اسلام) و رتبه ستر جنرالی به رشید دوستم که تا به الحال غرق در شراب و کباب و عیاشی است از طرف پروفیسور مجددی جفا به اسلام و ملت افغانستان نیست؟

آیا پیشنهاد مسما نمودن مسجد تاریخی پل خشتی بنام جنرال ضیاءالحق (جنرالیکه آرزوی سوختن کابل را از خداوند میخواست و این آرزو را با خود بگور برد اما واماندهایش آنرا عملی کردند) توسط پروفیسور مجددی یک جفا به ملت افغانستان نیست؟

آیا اظهار و پیشنهاد پروفیسور مجددی در قسمت نگهداری کرچ و کلاه جنرال ضیاءالحق در موزیم کابل نمایندگی از نوکر صفتی یک ریش سفید ما به بیگانگان باعث رنجش خاطر این ملت نیست؟
آیا پیشنهاد و دعوت جنرال حمید گل رئیس آ. اس. آی. پاکستان توسط استاد بحران الدین ربانی بکابل تا به حیث مشاور ریاست جمهوری افغانستان کار کند جفا به حیثیت افغانستان نیست؟

آیا اهدای تفنگچه وزیر محمد اکبر خان از طرف استاد ربانی به نواز شریف صدراعظم آنوقت پاکستان بزرگترین خیانت و جفا به افتخارات وطن ما نیست؟

آیا دادن رتبه مارشالی به محمد قسیم فهیم توسط حامد کرزی خجالت آور برای هر دوی شان و بطور کل برای خود محمد قسیم فهیم نیست؟ مارشالیکه درجه تحصیلاتش به ذره بین دیده نمیشود، مارشالیکه زیر رکاب امریکائی ها

داخل کابل شد، مارشالیکه قدم به حربی شونخی و حربی پوهنتون نگذاشته، حتماً به فکر حامد کرزی فاتح کابل و لایق همین مقام و منصب بود.

کمی بیاد دارم که افغانستان در طول تاریخ معاصر و گذشته خود صرف یک مارشال داشت که مرحوم شاه ولیخان بود و یک ستر جنرال داشت که خان محمد خان بود و چند دگر جنرال که تعداد شان بسیار کم بود. اما امروز که به تلویزون ها متوجه شوید اصلاً جای سوزن زدن بالای شانه های این "قهرمانان و پهلوان پنبه ها" به اصطلاح عوام نیست.

با کمی اضافه از سه دهه ما شاهد چهار نظام سیاسی و ۱۰ رهبر که متشکل از (پادشاه، رئیس جمهور و امیر) میباشند بودیم که همه ثمره ای بی اتفاقی ها و خود خواهی های ما افغانها میباشند.

حالا به فکر من که اینهمه افتضاح و ریشخند زدن بالای خود و مردم بینوای افغانستان بس است. از برای خدا بس است مردم افغانستان از پروفیسور مجددی، استاد ربانی، پیر گیلانی، عبدالرسول سیاف، انجنیر حکمتیار، استاد خلیلی، استاد محقق، شیخ محسنی، قانونی، عبدالله، فهیم، دوستم، و حامد کرزی با دار و دسته اش میخواهند تا به درگاه خداوند توبه و از مردم افغانستان معذرت بخواهند حق را دوباره به حقدار بدهند.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلپکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ